

Investigating the relationship between physical components affecting satisfaction and sense of attachment to place (Case study: Communal spaces of selected medium - density residential complexes in Tehran)

Rouhollah, Rahimi¹  

ABSTRACT

Due to the expansion of the apartment living pattern and the decline in the quality of social interactions in contemporary residential complexes, the weakening of the sense of belonging and the reduction of environmental satisfaction have become one of the fundamental challenges of urban residence in Tehran. This situation doubles the necessity of reexamining the role of physical components of communal spaces on satisfaction and sense of attachment to place, which is the goal of the research.

In this research, a quantitative - qualitative hybrid method has been used. It is done through multivariate regression analysis through a correlation and quantitative analysis strategy, through regular daily visits, and completing 361 questionnaires and field observations in different types of communal spaces of residential complexes in Tehran. Along with the use of factor analysis and structural equations, examines several components and personality and behavioral characteristics of users to demonstrate the way and extent of satisfaction components to create a sense of place attachment to be used by environmental designers.

The results of this study showed that there is a relationship between satisfaction and a sense of attachment to a place, and that visual perception and the quality of space management play a more prominent role in strengthening a sense of attachment than purely physical indicators. Among the components of satisfaction, the component "scenic beauty" has the highest coefficient and has been able to satisfy the highest level of satisfaction, and then, respectively: variety of texture and color, management and maintenance, cleaning and Cleanliness, security, physical safety, location of place and finally size/dimensions . The findings shows that the emphasis of the role of the designer as the creator of space, which, by designing the structure of spaces, leads to increasing satisfaction and changing the sense of attachment of people living in the future.

ARTICLE HISTORY

Received 20 January 2026
Accepted 19 March 2026
Accepted 5 May 2026
Available online 22 June 2026

KEYWORDS

Satisfaction
Sense of place attachment
Residential complex
Communal space
Tehran

CONTACT Rouhollah Rahimi  r.rahimi@umz.ac.ir

” Rahimi, R. (2026). Investigating the relationship between physical components affecting satisfaction and sense of attachment to place (Case study: Communal spaces of selected medium - density residential complexes in Tehran). *Journal of Bonyan: Strategic Research in Islamic Architecture and Urbanism*, 1(2), 110-126.

DOI: <http://doi.org/10.22091/bonyan.2026.15258.1010>

© 2026 The Author(s). Published by University of Qom.

This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial-NoDerivatives License (<http://creativecommons.org/licenses/by-nc-nd/4.0/>), which permits non-commercial re-use, distribution, and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited, and is not altered, transformed, or built upon in any way. The terms on which this article has been published allow the posting of the Accepted Manuscript in a repository by the author(s) or with their consent.



بررسی رابطه مؤلفه‌های فضایی رضایت‌مندی و حس دل‌بستگی به مکان (مورد مطالعه: فضاهای جمعی مجتمع‌های مسکونی با تراکم متوسط شهر تهران)

روح‌اله رحیمی^۱ ^۱ نویسنده مسئول، دانشیار گروه معماری، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران.

چکیده

با توجه به گسترش الگوی آپارتمان‌نشینی و کاهش کیفیت تعاملات اجتماعی در مجتمع‌های مسکونی معاصر، تضعیف حس تعلق و کاهش رضایت‌مندی محیطی به یکی از چالش‌های اساسی سکونت شهری در تهران تبدیل شده است. این وضعیت ضرورت بازخوانی نقش مؤلفه‌های کالبدی فضاهای جمعی بر رضایت‌مندی و حس دل‌بستگی به مکان که هدف پژوهش است را دوچندان می‌کند.

در این پژوهش از روش ترکیبی کمی - کیفی استفاده شده است. ابتدا با تحلیل رگرسیون از طریق راهبرد همبستگی و از طریق برداشت‌های میدانی و تکمیل ۳۶۱ پرسش‌نامه در گونه‌های متفاوت فضاهای جمعی مجتمع‌های مسکونی تهران، به همراه استفاده از روش تحلیل عامل و الگوسازی معادلات ساختاری به آزمون مؤلفه‌ها و ویژگی‌های شخصیتی و رفتاری کاربران به‌منظور سنجش میزان تأثیر عوامل رضایت‌مندی بر ایجاد حس دل‌بستگی به مکان پرداخته شد.

نتایج این پژوهش نشان داد که بین رضایت‌مندی و حس دل‌بستگی به مکان، رابطه وجود داشته و ادراک بصری و کیفیت مدیریت فضا نسبت به شاخص‌های صرفاً کالبدی نقش پررنگ‌تری در تقویت حس دل‌بستگی دارند. از میان مؤلفه‌های محیطی رضایت‌مندی، مؤلفه «زیبایی منظره» بالاترین ضریب را دارد و توانسته است بیشترین میزان رضایت‌مندی را در ساکنین برآورده سازد و پس از آن به‌ترتیب: «تنوع بافت و رنگ»، «مدیریت و نگهداری»، «نظافت و پاکیزگی»، «امنیت»، «ایمنی فیزیکی»، «مکان / موقعیت» و در آخر «میزان / ابعاد» قرار دارند. در این پژوهش بر نقش طراح به‌عنوان خالق فضا تأکید می‌شود که با طراحی ساختار فضاها منجر به افزایش رضایت‌مندی و تغییر در میزان حس دل‌بستگی افراد ساکن در آینده می‌شود.

اطلاعات مقاله

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۹/۱۰

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۱۱/۰۸

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۱۲/۲۸

تاریخ انتشار: ۱۴۰۵/۰۴/۰۱

کلیدواژه‌ها

رضایت‌مندی

حس دل‌بستگی به مکان

مجتمع مسکونی

فضای جمعی

تهران

CONTACT Rouhollah, Rahimi r.rahimi@umz.ac.ir

«رحیمی، روح‌اله، (۱۴۰۵). بررسی رابطه مؤلفه‌های فضایی رضایت‌مندی و حس دل‌بستگی به مکان (مورد مطالعه: فضاهای جمعی مجتمع‌های مسکونی با تراکم متوسط شهر تهران). فصلنامه پژوهشی بنیان: پژوهش‌های راهبردی معماری و شهرسازی اسلامی، ۱(۲)، ۱۱۰-۱۲۶.»

DOI: <http://doi.org/10.22091/bonyan.2026.15258.1010>

© 2026 The Author(s). Published by University of Qom.

This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial-NoDerivatives License

(http://creativecommons.org/licenses/by-nc-nd/4.0/), which permits non-commercial re-use, distribution, and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited, and is not altered, transformed, or built upon in any way. The terms on which this article

has been published allow the posting of the Accepted Manuscript in a repository by the author(s) or with their consent.

۱. مقدمه

رضایت از محل زندگی از اهمیت بالایی برخوردار است و پس از رضایت زناشویی، دومین عامل مهم در رضایت کلی فرد از زندگی محسوب می‌شود (Kearney, 2006, p. 135)؛ این مفهوم به درک و تجربه رضایت فرد یا خانواده از مسکن فعلی‌شان اشاره دارد. تحقیقات تجربی در این زمینه عمدتاً در دو رویکرد اصلی دسته‌بندی می‌شوند: گروه اول بر ارزیابی کیفیت محیطی از طریق سنجش رضایت همسایگی و تخمین ارزش معیارهای محیطی و شخصی مؤثر تمرکز دارند، در حالی که گروه دوم به پیش‌بینی رفتارهای جاری همسایگی مانند جابه‌جایی می‌پردازند (Amérigo & Aragonés, 1990). ادبیات موجود در این حوزه نیز به‌طور کلی بر ارزیابی ذهنی از کیفیت زندگی تأکید دارد که ابعاد تحلیلی متفاوتی را در بر می‌گیرد. در سال‌های اخیر، توسعه مجتمع‌های مسکونی با الگوی تراکم متوسط در تهران، اگرچه پاسخی به کمبود زمین شهری بوده است، اما در بسیاری موارد منجر به شکل‌گیری فضاهای جمعی بی‌هویت، کم‌کارکرد و فاقد کیفیت ادراکی شده است. کاهش تعاملات اجتماعی، ضعف نگهداشت و فقدان جذابیت بصری در این فضاها، به تضعیف حس تعلق ساکنان انجامیده است. در حالی که مطالعات متعددی به‌صورت کلی به رضایت‌مندی و دلبستگی پرداخته‌اند، بررسی دقیق نقش مؤلفه‌های کالبدی مشخص در مقیاس مجتمع‌های منتخب شهری همچنان نیازمند واکاوی تجربی است. بنابراین، این پژوهش با تمرکز بر شش مجتمع مسکونی منتخب شهر تهران، در پی پاسخ به این پرسش است که کدام مؤلفه‌های کالبدی فضاهای جمعی بیشترین نقش را در تقویت حس دلبستگی ایفا می‌کنند.

این مطالعه رویکردی نظری را دنبال می‌کند که بر شناخت و توضیح نقش بنیادین عوامل محیطی در حصول رضایت‌مندی از فضا متمرکز است. در این راستا، سؤالات پایه‌ای زیر مطرح می‌شوند: شاخص‌ها و ویژگی‌های محیط کالبدی مؤثر در ایجاد رضایت‌مندی کدام‌اند؟ رابطه بین دلبستگی به مکان توسط انسان‌ها و رضایت‌مندی از طریق ساختار کالبدی چگونه و طی چه فرایندی شکل می‌گیرد؟

براساس چارچوب نظری تحقیق، سؤالات اصلی و اهداف تدوین شده و فرضیه‌های این پژوهش بر این مبنا شکل گرفته‌اند که مؤلفه‌های فیزیکی، فرم و عناصر کالبدی معماری و محیط، تأثیر معناداری بر رضایت‌مندی از مکان و افزایش حس دلبستگی به مکان در فضاهای جمعی مجتمع‌های مسکونی شهر تهران اعمال می‌کنند:

۱. مؤلفه‌های فیزیکی و فرم فضای معماری دارای پتانسیل ایجاد حس رضایت‌مندی است؛

۲. بین مؤلفه‌های فضایی مؤثر رضایت‌مندی از مکان و حس دلبستگی به مکان رابطه وجود دارد.

وجه تمایز این پژوهش با مطالعات پیشین، تمرکز هم‌زمان بر ارزیابی تجربی مؤلفه‌های کالبدی مشخص در مقیاس مجتمع‌های منتخب و تحلیل وزن تأثیر هر مؤلفه در شکل‌گیری حس دلبستگی است. برخلاف پژوهش‌های پیشین که عمدتاً به بررسی مفهومی یا کلی شاخص‌ها پرداخته‌اند، این مطالعه با استفاده از مدل‌یابی معادلات ساختاری، شدت اثر هر مؤلفه را به‌صورت کمی اندازه‌گیری کرده است.

۲. روش‌شناسی پژوهش

براساس مطالعات پیشین و مشورت با صاحب‌نظران، راهبرد انتخابی این پژوهش برای دستیابی به اهداف، استفاده از رویکرد ترکیبی است؛ به‌منظور آزمون فرضیات تحقیق که ماهیتی قیاسی و برگرفته از مبانی نظری دارند، رویکرد پژوهش به‌صورت ترکیبی (کمی و کیفی) اتخاذ شده است؛ بدین ترتیب که رویکرد کمی برای ارزیابی فرضیات و رویکرد کیفی برای شناسایی متغیرهای میانجی، مؤلفه‌های حس دلبستگی به مکان و روابط بین آن‌ها به کار گرفته شده است. در این راستا، مشخصه‌های کالبدی فضاهای جمعی مسکونی به‌عنوان متغیر مستقل و میزان رضایت‌مندی و حس دلبستگی به مکان به‌عنوان متغیر وابسته تعریف شده‌اند و تأثیر آن‌ها با استفاده از راهبرد علی - مقایسه‌ای مورد بررسی قرار می‌گیرد که بخش عمده‌ای از کار به مطالعات موردی اختصاص دارد و در نهایت، جمع‌آوری و تحلیل داده‌ها برای آزمون فرضیات انجام خواهد شد؛ به این ترتیب که پس از تهیه و تدوین پرسش‌نامه‌های پژوهش، روایی و پایایی ابزارها به‌ترتیب از طریق روش دلفی و ضریب آلفای کرونباخ مورد تأیید قرار گرفت.

سپس، نظرات خبرگان و ساکنین با استفاده از نرم‌افزار SPSS اخذ شد. در مرحله بعد، جهت تجزیه و تحلیل داده‌های استخراج‌شده با تحلیل رگرسیون از طریق راهبرد همبستگی و از طریق برداشت‌های میدانی و تکمیل ۳۶۱ پرسش‌نامه در گونه‌های متفاوت فضاهای جمعی مجتمع‌های مسکونی منتخب تهران از آزمون مقایسه میانگین، همبستگی، رگرسیون و توکی بهره برده شد و در نهایت، از روش تحلیل عامل و الگوسازی معادلات ساختاری به آزمون مؤلفه‌ها و ویژگی‌های شخصیتی و رفتاری کاربران به‌منظور سنجش میزان تأثیر عوامل رضایت‌مندی بر ایجاد حس دل‌بستگی به مکان پرداخته شد.

فرایند انتخاب نمونه در این پژوهش، یک رویکرد طبقه‌بندی‌شده و تدریجی را دنبال کرده است؛ ابتدا با بهره‌گیری از ابزارهای GIS، نقشه‌های شهری و تصاویر هوایی، مجتمع‌های مسکونی مناطق شهرداری تهران استخراج شدند (Aineifar & Ghazizadeh, 2010). سپس تمامی مجتمع‌هایی که فضای جمعی آن‌ها حداقل ۶۵ درصد سطح زمین را اشغال می‌کرد، موردبازدید میدانی قرار گرفته و مشخصات دقیق آن‌ها جمع‌آوری شد. پس از تطبیق و مقایسه داده‌های میدانی، عامل مشترک میان این مجتمع‌ها استخراج و الگوی گونه‌شناسی آن‌ها براساس معیار فضای جمعی تدوین گردید؛ در نهایت، نمونه‌های مورد مطالعه از میان گونه‌های منتخب، با تأکید بر بالاترین نسبت فضای جمعی، انتخاب نهایی شدند. لازم به ذکر است که محدوده مطالعاتی این پژوهش محدود به شش مجتمع منتخب بوده و نتایج آن قابل تعمیم به تمامی مجتمع‌های شهر تهران نخواهد بود.

براساس نقشه‌های برداشت‌شده از پلان‌ها، مجتمع‌های مسکونی مورد مطالعه به سه گروه اصلی ردیفی، پراکنده و متمرکز دسته‌بندی شدند. با این حال، به‌منظور تمرکز بر مکان‌هایی که حس تعلق و حریم خصوصی در آن‌ها قوی‌تر است، مجتمع‌های کلان‌مقیاس با بیش از ۵۰۰ واحد مسکونی (به دلیل کاهش حس تملک در مقیاس بزرگ) از فرایند مطالعه میدانی حذف شدند. بنابراین، نمونه نهایی برای اجرای پژوهش میدانی، از میان مجتمع‌هایی با مقیاس کوچک‌تر و تراکم متوسط انتخاب شدند (Rahimi et al, 2020). در نهایت مطابق جدول شماره ۱ از هر گروه دو مجتمع مسکونی انتخاب شدند: ۱. ردیفی (نویسندگان، گل‌ها)؛ ۲. پراکنده (فردوس، پاس)؛ ۳. متمرکز (آرین، سروستان).

جدول شماره ۱. گونه‌شناسی مجتمع‌های مسکونی مورد مطالعه

(اعداد درج‌شده در کنار نام هر مجتمع، نشان‌دهنده درصد فضای باز آن مجتمع است)

ارتفاع	الگوی فضای باز	تعداد واحدها
		<۲۱۶
		۲۱۶-۵۰۰
	ردیفی	گل‌ها (منطقه ۲) (۰/۷۸)
۶ >	پراکنده	-
	متمرکز	-
	ردیفی	نویسندگان (۰/۷۸)
۷-۱۲	پراکنده	فردوس (۰/۹۱)
	متمرکز	آرین (۰/۸۰)
	ردیفی	-
+۱۳	پراکنده	پاس (۰/۸۸)
	متمرکز	سروستان (۰/۷۳)

اطلاعات از طریق پرسش‌نامه‌ای متشکل از سه بخش جمع‌آوری شد: مشخصات آماری نمونه، ارزیابی کمی مکان با سؤالات بسته و ارزیابی کیفی مکان به همراه تحلیل بصری بر روی سایت پلان مجتمع (از طریق سؤالات باز و نشانه‌گذاری). در جدول شماره ۲ تصاویر فضاهای جمعی مجتمع‌های مسکونی منتخب آورده شد.

جدول شماره ۲. تصاویر فضاهای جمعی مجتمع‌های مسکونی منتخب مورد مطالعه

نام مجتمع مسکونی	سایت پلان	فضای جمعی	الگوی فضای جمعی
گل‌ها			الگوی فضای باز خطی، دسترسی نیمه‌خصوصی، فضای جمعی در محور مرکزی شکل گرفته و به همراه کارکرد عبوری، افراد را به برقراری تعاملات اجتماعی ترغیب می‌سازد.
نویسندگان			الگوی فضای باز خطی، دسترسی نیمه‌خصوصی، فضای جمعی در محور مرکزی و بین بلوک‌ها شکل گرفته و به همراه کارکرد عبوری، فضای بازی و گفتگوی ساکنین است.
فردوس			الگوی فضای باز پراکنده، دسترسی نیمه‌خصوصی، فضای جمعی آن در انتهای سایت و در مجاورت بزرگراه شیخ فضل‌الله و شامل فضای بازی کودکان، فضای ورزشی و زمین فوتبال است.
پاس			الگوی فضای باز پراکنده، دسترسی نیمه‌خصوصی، از لحاظ عملکردی فضاهای جمعی موجود بین بلوک‌ها با امکان ارتباط مستمر و مستقیم با طبیعت، تعاملات اجتماعی را تشویق می‌کند.
آرین			الگوی فضای باز متمرکز، دسترسی نیمه‌خصوصی، فضای جمعی دارای باغچه، فضای بازی کودکان و فضای ورزشی است.
سروست			الگوی فضای باز متمرکز، فضای جمعی با قابلیت گردهمایی و برخورد اجتماعی بسیار محدود و احساس محصوریت بالا، به دلیل تسلط برج‌ها بر تمامی نقاط سایت، نقطه خصوصی و دنجی در کل فضای باز وجود ندارد.

۳. پیشینه پژوهش

متغیرهای متعددی که بر رضایت کاربران از محیط مسکونی تأثیر می‌گذارند، موضوع اصلی مطالعات محققانی هستند که به دنبال کشف این عوامل هستند. متغیرهای زیبایی (Amole, 2009b; Hur et al, 2010) وسعت و ناحیه طبیعی (Amérigo & Aragonés, 1990; Ge, Hokao, 2006;)، تعامل اجتماعی (Amole, 2009b; Hur et al, 2010)، ایمنی خدمات و تسهیلات (Amérigo & Aragonés, 1990; Ge, Hokao, 2006; Amole, 2009b)، نگرهداری (Amérigo & Aragonés, 1990) و آسایش محیطی (Thorsson et al, 2004; Gai tani et al, 2007)، از جمله مهم‌ترین این متغیرها هستند.

علاوه بر متغیرهای پیش‌تر ذکر شده، مشخصات جامعه آماری نیز به‌عنوان عاملی مهم بر رضایت افراد از محیط سکونت تأثیرگذار است. تحقیقات تجربی شواهد روشنی ارائه کرده‌اند که نشان می‌دهد عواملی مانند سن، مالکیت خانه و سطح درآمد بالا به‌طور معناداری موجب افزایش رضایت از مکان می‌شوند. در حالی که هم ویژگی‌های فیزیکی محیط و هم مشخصات فردی ساکنان تأثیر قطعی بر حس رضایت‌مندی دارند، اما میزان دقیق اهمیت هریک از این متغیرها به‌طور کامل مشخص نیست و به‌بستر و شرایط خاص هر مطالعه بستگی دارد. براساس الگوی مفهومی آرگونز و آمریگو (۱۹۹۷)، صفات عینی محیط ابتدا به ادراکات ذهنی تبدیل شده و سپس بر رضایت تأثیر می‌گذارند؛ این صفات ذهنی نیز خود تحت تأثیر خصوصیات شخصیتی افراد استفاده‌کننده از فضا شکل می‌گیرند. در نهایت، رضایت از محیط یک حلقه بازخوردی ایجاد می‌کند: این رضایت به‌طور مستقیم و مثبت بر رفتارهای سازگار با محیط تأثیر می‌گذارد و این روند می‌تواند به افزایش رضایت کلی از زندگی فرد منجر شود (Behzadfar & Ghazizdeh, 2011).

براساس مدل مارکوس و سرکیسیان (۱۹۸۶)، رضایت از محیط مسکونی تابعی از هفت متغیر کلیدی است: سازگاری ساکنان، نگهداری، ظاهر بصری مطبوع، رضایت از مدیریت، حضور همسایگان همگن، درک ارزش اقتصادی و رضایت از سایر همسایگان. به‌طور مشخص، سازگاری بر رضایت کلی از طریق تأثیرگذاری بر ظاهر، نگهداری و ارزش اقتصادی اثر می‌گذارد. همچنین همگنی ساکنان و نگهداری به‌واسطه افزایش رضایت از همسایگی، بر رضایت کلی از محیط مسکونی تأثیرگذار است.

۴. چارچوب نظری

۴.۱. رضایت‌مندی از محیط مسکونی

آمریگو و آرگونز (۱۹۹۰) با مطالعه خانه‌های عمومی در مادرید اسپانیا، معیارهای رضایت از محیط را در دو سطح عینی (کالبدی) و ذهنی (روان‌شناختی) مورد‌ارزیابی قرار دادند؛ نتایج پژوهش آن‌ها نشان داد که دل‌بستگی به همسایگی و کیفیت روابط با همسایگان بیشترین تأثیر را بر رضایت کلی از محیط دارد، در حالی که هفت معیار خاص شامل مساحت فضا، تعاملات اجتماعی، امنیت، تأسیسات زیربنایی، ارتباط با محیط پیرامونی، فعالیت‌های شهری و فضای باز طبیعی بیشترین نقش را در شکل‌گیری این حس رضایت مکانی ایفا می‌کنند (Amerigo & Argones, 1990). پژوهش‌های گسترده بنایتو و همکاران بر روی شهروندان رمی نشان داد که رضایت از محیط همسایگی به چهار بُعد اصلی وابسته است: بُعد کالبدی (شامل ظاهر معماری، کارایی فضا و حضور عناصر طبیعی)؛ بُعد اجتماعی (مربوط به ساکنین و کیفیت تعاملات میان آن‌ها)؛ بُعد عملکردی (شامل دسترسی به خدمات عمومی، تفریحی، تجاری و حمل و نقل) و بُعد زمینه‌ای (که به مسائلی چون سلامت، بهداشت و نگهداری محیط می‌پردازد). علاوه بر این، بنایتو و همکارانش (۲۰۰۶) در یک مطالعه جهانی روی کیفیت ادراک‌شده محیط مسکونی در ایتالیا، یک مدل یازده معیاری را در قالب چهار گروه اصلی توسعه دادند: سه معیار مرتبط با جنبه‌های فضایی (برنامه‌ریزی و طراحی، چیدمان و دسترسی و نیز فضاهای سبز)، یک معیار در حوزه جنبه‌های انسانی (مردم و روابط اجتماعی)، چهار معیار مربوط به جنبه‌های عملکردی (خدمات بیمه، تفریحی، اقتصادی و حمل‌ونقل) و سه معیار در رابطه با جنبه‌های زمینه‌ای (شیوه زندگی، بهداشت محیط و نگهداری) (Behzadfar & Ghazizdeh, 2011; Bonaiuto et al, 2006).

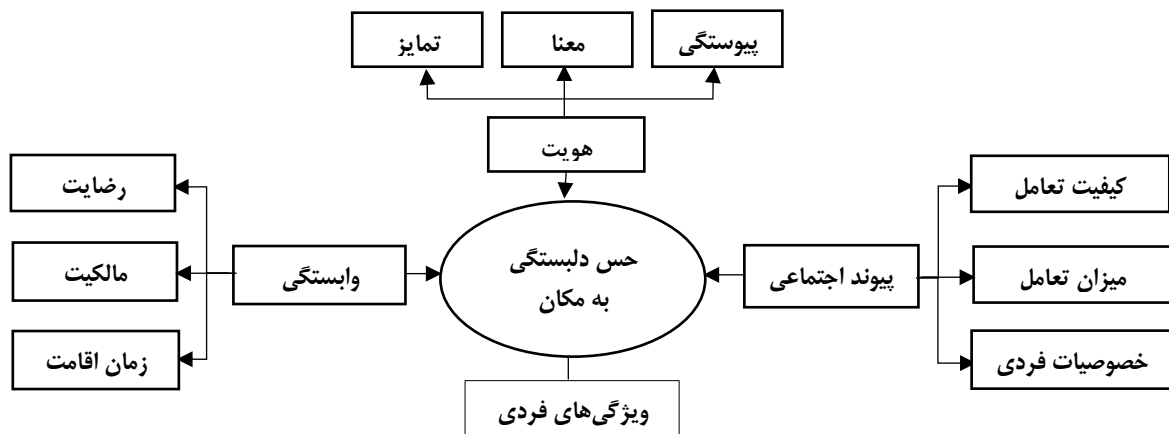
۴.۲. حس دل‌بستگی به مکان

ایده دل‌بستگی به مکان بر پیوند بنیادین میان انسان و محیط فیزیکی استوار است. این مفهوم در ادبیات پژوهشی با نام‌های گوناگونی شناخته شده است؛ از جمله: «مکان در برابر بی‌مکانی» (رلف، ۱۹۷۶)، «توپوفیلیا» (توان، ۱۹۷۴)، «روح‌نگهبان» (نوربرگ شولتز، ۱۹۸۰)، «هویت مکان» (پروشانسکی، ۱۹۸۳) و همچنین «شخصیت مکان» (شامایی، ۱۹۹۱؛ استیل، ۱۹۸۱؛ گرین، ۱۹۹۹). در نهایت، بسیاری از پژوهشگران نظیر آلمن و لو (۱۹۹۲)، ویلیامز و رگنباگ (۱۹۸۹) و براون (۲۰۰۳) آن را با عنوان «حس دل‌بستگی به مکان» نام‌گذاری کرده‌اند. برای دسته‌بندی مفاهیم موردبررسی در راستای تفکیک میان بُعد عینی و ذهنی، از چارچوب

مفهومی ارائه شده توسط هاشاس (۲۰۰۴) در رساله دکتری وی در دانشگاه کارولینای شمالی (۲۰۰۴) استفاده شد. براساس این رویکرد، مفاهیم به دو دسته تقسیم می‌شوند: ماهیت عینی که برگرفته از مشخصات کالبدی فضا است و ماهیت ذهنی که ریشه در تفکر و احساسات افراد نسبت به محیط کالبدی دارد (Rahimi et al, 2020).

حس دلبستگی به مکان، مطابق تعریف دانش‌پور به نقل از تایلر (۴:۱۳۸۸)، از دو بُعد اصلی شکل می‌گیرد: وابستگی کالبدی که ریشه در قدمت مکان و میزان آشنایی فرد با آن دارد و وابستگی اجتماعی که ناشی از قیدوبندهای بومی، محلی یا دلبستگی‌های افراد و گروه‌های اجتماعی است؛ همچنین ویلیامز (۲۰۰۰)، پس از ارزیابی ۶۱ عامل مؤثر بر این حس، الگوی دو بُعدی هویت و وابستگی به مکان را به‌عنوان بهینه‌ترین مدل برای ارزیابی معرفی کرده است. (Arghiani & Vahdani Charzekhun, 2020; Williams, 2000) او جهت تعمیم الگوی دو بُعدی خود، این الگو را در پروژه‌های متعددی مورد استفاده قرار داده است. کایل و همکارانش (۲۰۰۴) در پژوهش خود از ایده ویلیامز و رگنباک برای اندازه‌گیری دلبستگی به مکان، تأثیر پذیرفته و به دو بُعد هویت و وابستگی، بعد سوم یعنی پیوندهای اجتماعی را نیز افزوده‌اند. (Kyle et al, 2005) جورگنسن و استدمن (۲۰۰۶) حس مکان را به‌عنوان یک ساختار گسترده و نگرشی تعریف می‌کنند که شامل سه بُعد اصلی است: دلبستگی به مکان، وابستگی به مکان و هویت مکان. این سه بُعد، خود، هر کدام از سه مؤلفه عاطفی، شناختی و رفتاری تشکیل شده‌اند.

در چارچوب تحلیلی دلبستگی به مکان، این سازه از سه جزء متمایز تشکیل شده است: اولاً فاعل که شامل ویژگی‌های روان‌شناختی و جمعیتی فرد دلبسته است؛ ثانیاً فرایند شناختی که نحوه ادغام مؤلفه‌های عاطفی، ادراکی و رفتاری در شکل‌گیری دلبستگی را تبیین می‌کند؛ ثالثاً موضوع دلبستگی یا همان مکان. با این حال، اهمیت کانونی به موضوع اختصاص داده می‌شود، زیرا همان‌طور که آلمن و لو (۵:۱۹۹۲) تصریح می‌کنند، مکان بستری است که پیوندهای احساسی یا فرهنگی حول آن شکل می‌گیرد (Altman, Low, 1992: 5) و این بُعد، در مقیاس‌های مختلف محیطی (از خانه تا شهر) و در سطوح فیزیکی یا اجتماعی قابل‌سنجش و مطالعه است. در نمودار شماره ۱ الگوی ارزیابی حس دلبستگی به مکان نشان داده شده است (Rahimi et al, 2020).



شکل ۱. الگوی ارزیابی حس دلبستگی به مکان (Rahimi et al, 2020)

هدف اصلی این پژوهش، بازنگری و تحلیل عوامل مؤثر بر رضایت‌مندی و تقویت حس تعلق به مکان در فضاهای جمعی مجتمع‌های مسکونی است؛ فضاهایی که به‌عنوان محیطی مکمل در کنار فضای داخلی آپارتمان‌ها عمل می‌کنند و بستر مناسبی برای تعاملات اجتماعی و زندگی جمعی فراهم می‌آورند. همچنین ایجاد پیوندی پایدار با طبیعت و انتقال و گسترش بخشی از عملکردهای فضای داخلی به محیط بیرونی از دیگر محورهای اساسی این تحقیق به شمار می‌رود.

در مجتمع‌ها و محیط‌های مسکونی، فضای جمعی به‌عنوان یک عرصه مشترک حیاتی و قابل‌شناسایی عمل می‌کند که نه تنها به‌دلیل قابلیت استفاده گروهی خود، بلکه به‌واسطه محتوایی که از طریق فعالیت‌ها و تعاملات اجتماعی - فرهنگی در آن شکل

می‌گیرد اهمیت می‌یابد؛ به طوری که ساختمان مسکونی چارچوب کالبدی این زندگی جمعی را فراهم می‌آورد، در حالی که فعالیت‌های اجتماعی و فرهنگی جوهر این فضا را می‌سازند (Nejad et al, 2014 - Mahdavi).

۳.۴. مؤلفه‌های مؤثر بر رضایت‌مندی و دل‌بستگی به مکان

این پژوهش با هدف اصلی برآورد میزان رضایت ساکنان از فضاها و جمعیت‌های مسکونی و بررسی رابطه این رضایت با حس دل‌بستگی به مکان، به دنبال شناسایی معیارهای کلیدی مؤثر بر این دل‌بستگی است.

جدول شماره ۳. مؤلفه‌های مؤثر بر رضایت‌مندی و دل‌بستگی به مکان در فضاها و جمعیت‌های مسکونی

مؤلفه‌ها و عوامل مؤثر بر رضایت‌مندی و دل‌بستگی به مکان		
مکان / موقعیت	فضای جمعی	
میزان / ابعاد		
امنیت		
نظافت و پاکیزگی		
ایمنی فیزیکی		
زیبایی منظره		
تنوع بافت و رنگ		
مدیریت و نگهداری		
وابستگی		دل‌بستگی به مکان
پیوندهای اجتماعی		
هویت		
دل‌بستگی عاطفی		

بر اساس جدول شماره ۳ که متغیرها و مؤلفه‌های نهایی شده را مشخص می‌کند، پرسش‌نامه‌های طراحی شده به منظور سنجش میزان رضایت‌مندی ساکنین مجتمع‌های مسکونی منتخب تهران از فضاها و جمعیت‌های جمعی و همچنین ارزیابی توانایی این فضاها در القای حس دل‌بستگی به مکان، به کار گرفته شده‌اند.

۵. یافته‌های پژوهش

۵.۱. تجزیه و تحلیل آمار توصیفی

در این مطالعه، از مجموع ۳۶۱ نفر شرکت‌کننده، ۲۰۶ نفر (۵۷/۶۱ درصد) زن و ۱۵۵ نفر (۴۲/۹ درصد) مرد بوده‌اند. از نظر وضعیت تأهل نیز، ۲۷۶ نفر (۷۶/۵ درصد) مجرد، ۸۳ نفر (۲۳ درصد) متأهل، ۱ نفر (۳/۰ درصد) مطلقه و ۱ نفر (۳/۰ درصد) بیوه گزارش شده‌اند. از ۳۶۱ نفر شرکت‌کننده در مطالعه، ۳۲ نفر (۸/۹ درصد) در گروه سنی زیر ۱۸ سال، ۱۷۵ نفر (۴۸/۵ درصد) در گروه سنی ۱۹ تا ۳۵ سال، ۱۲۴ نفر (۳۴/۳ درصد) در گروه سنی ۳۶ تا ۶۰ سال و ۳۰ نفر (۸/۳ درصد) بالاتر از ۶۰ سال هستند. نتایج نشان می‌دهد که از مجموع ۳۶۱ نفر شرکت‌کننده در این مطالعه، ۱۵۱ نفر (۴۱/۸ درصد) دارای مدرک تحصیلی دیپلم و پایین‌تر، ۱۳۷ نفر (۳۸ درصد) دارای مدرک کارشناسی، ۶۲ نفر (۱۷/۲ درصد) دارای مدرک کارشناسی ارشد و ۱۱ نفر (۳ درصد) دارای مدرک دکتری و بالاتر هستند.

لازم به ذکر است، از ۳۶۱ نفر شرکت‌کننده در مطالعه، ۱۰۸ نفر (۲۹/۹ درصد) از پاسخگویان ۵ سال و کمتر، ۱۵۴ نفر (۴۲/۸ درصد) از پاسخگویان ۶ تا ۱۰ سال، ۶۲ نفر (۱۷/۲ درصد) از پاسخگویان ۱۱ تا ۱۵ سال و ۳۷ نفر (۱۰/۲ درصد) از پاسخگویان بالاتر از ۱۵ سال در محله اقامت داشتند.

۵.۱.۱. آمار استنباطی

در ادامه به تحلیل تاثیر هر یک از مؤلفه‌های محیطی بر رضایت‌مندی و رابطه با دل‌بستگی به مکان در قالب پرسش‌نامه پرداخته شده است.

۵.۱.۲. بررسی نرمال بودن متغیرهای تحقیق

جهت بررسی نرمال بودن متغیرها، از آزمون $s - k$ (کولموگروف - اسمیرنوف) استفاده شده است.

جدول شماره ۴. جدول آزمون کولموگروف - اسمیرنوف به منظور بررسی نرمال بودن متغیرها

رضایت‌مندی	دل‌بستگی به مکان	
۲/۶۱	۳/۲۹	میانگین
۰/۴۴	۰/۴۷	انحراف معیار
۰/۱۰۴	۰/۰۵۴	آماره آزمون
۰/۰۰۰	۰/۰۱۴	سطح معنی داری

جدول شماره ۴ و مقادیر به دست آمده ($P - value < 0.05 =$ سطح معنی داری) نشان می‌دهد که تمامی متغیرها از توزیع نرمال پیروی نمی‌کنند؛ بنابراین برای تجزیه و تحلیل فرضیه‌های پژوهش، از آزمون‌های ناپارامتریک استفاده شده است.

۵.۲. سنجش سطح متغیرهای مستقل و وابسته در فضاهای جمعی مجتمع‌های مسکونی

در این پژوهش، به منظور سنجش متغیرهای مستقل و وابسته، مؤلفه‌هایی طراحی شد و برای ارزیابی هر یک از این مؤلفه‌ها، گویه‌هایی در قالب طیف پنج‌درجه‌ای لیکرت برای پرسش از ساکنان تدوین گردید. پایایی پرسش‌نامه با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ (۰/۸۹۶) تأیید شد. به منظور آزمون سطح این متغیرها در فضاهای جمعی مجتمع‌های مسکونی مورد مطالعه، از آزمون t تک‌نمونه‌ای استفاده شده است. با توجه به اینکه طیف لیکرت از امتیاز ۱ (کاملاً مخالف) تا ۵ (کاملاً موافق) کدگذاری و امتیازدهی می‌شود، در این آزمون عدد ۳ به عنوان حد متوسط (Test Value) در نظر گرفته شده است. چنانچه میانگین نمونه مورد مطالعه در یک مؤلفه یا مجموعه‌ای از مؤلفه‌ها بالاتر از عدد ۳ بوده و مقدار Sig کمتر از سطح معناداری ۰/۰۵ باشد، می‌توان نتیجه گرفت که سطح متغیر مورد نظر به طور معناداری بالاتر از حد متوسط است و در غیر این صورت، این سطح پایین‌تر یا در حد متوسط ارزیابی می‌شود.

جدول شماره ۵. سطح متغیرهای پژوهش در فضاهای جمعی مجتمع‌های مسکونی منتخب شهر تهران بر اساس آزمون t تک‌نمونه‌ای

مؤلفه‌ها و عوامل مؤثر بر رضایت‌مندی و دل‌بستگی به مکان	ردیفی	پراکنده	متمركز	كل	Sig		
	مجتمع نویسندگان	مجتمع گل‌ها	مجتمع فردوس	مجتمع پاس	مجتمع آرين	مجتمع سروسنجان	میانگین
مکان / موقعیت	۱.۹۰۹۱	۲.۳۰۲۳	۲.۲۷۷۸	۱.۶۴۵۷	۲.۶۶۶۷	۲.۰۰۰۰	۱.۹۹۴۵
میزان / ابعاد	۱.۷۸۷۹	۲.۱۶۲۸	۲.۳۵۱۹	۱.۶۳۷۸	۲.۷۴۰۷	۱.۸۹۶۱	۱.۹۵۸۴
امنیت	۲.۵۷۵۸	۲.۰۹۳۰	۲.۱۸۵۲	۱.۹۵۲۸	۲.۸۵۱۹	۲.۱۴۲۹	۲.۱۶۹۰
رضایت‌مندی از فضای جمعی	۲.۳۹۳۹	۲.۲۰۹۳	۲.۰۵۵۶	۱.۸۵۸۳	۲.۷۷۷۸	۲.۲۵۹۷	۲.۱۳۳۰
نظافت و پاکیزگی	۲.۵۷۵۸	۲.۳۹۵۳	۲.۰۹۲۶	۲.۰۸۶۶	۲.۸۸۸۹	۲.۴۵۴۵	۲.۳۰۷۵
ایمنی فیزیکی	۴.۴۲۴۲	۳.۹۳۰۲	۳.۵۵۵۶	۳.۵۸۲۷	۴.۴۴۴۴	۴.۰۰۰۰	۳.۸۵۰۴
زیبایی منظره	۳.۷۸۷۹	۳.۱۶۲۸	۳.۰۰۰۰	۲.۷۷۱۷	۳.۸۵۱۹	۳.۵۱۹۵	۳.۱۸۵۶
تنوع بافت و رنگ	۳.۹۳۹۴	۳.۱۱۶۳	۳.۰۵۵۶	۲.۹۷۶۴	۴.۳۷۰۴	۳.۵۹۷۴	۳.۳۲۹۶
مدیریت و نگهداری	۲.۹۲۴۲	۲.۶۷۱۵	۲.۵۷۱۸	۲.۳۱۴۰	۳.۳۲۴۱	۲.۳۳۳۸	۲.۶۱۶۰
رضایت‌مندی كل							
وابستگی	۳.۴۸۴۸	۳.۱۲۹۲	۳.۰۱۰۳	۳.۱۴۶۱	۳.۴۶۹۱	۳.۳۰۸۸	۳.۲۱۳۶

۰/۰۰۰	۳/۳۹۵۶	۳/۴۲۵۰	۳/۶۲۹۶	۳/۳۵۵۰	۳/۲۴۹۲	۳/۱۹۰۳	۳/۷۹۸۹	پیوندهای اجتماعی	دل‌بستگی به مکان
۰/۰۰۰	۳/۱۹۱۸	۳/۱۶۸۸	۳/۶۳۸۹	۳/۰۵۷۱	۲/۸۹۸۱	۳/۲۴۶۷	۳/۸۳۳۳	هویت	
۰/۰۰۰	۳/۲۸۵۳	۳/۴۴۱۶	۳/۹۰۱۲	۳/۱۱۸۱	۲/۷۵۹۳	۳/۳۶۴۳	۳/۸۱۸۲	دل‌بستگی عاطفی	
۰/۰۰۰	۳/۲۹۲۵	۳/۳۵۰۲	۳/۶۰۷۷	۳/۲۱۴۹	۳/۰۶۳۱	۳/۱۹۴۷	۳/۷۰۱۵	دل‌بستگی به مکان کل	

الف. رضایت‌مندی مکانی: در بین مؤلفه‌های هشت‌گانه رضایت‌مندی از فضاهای جمعی سطح معنی‌داری sig تمامی مؤلفه‌ها ۰/۰۰۰ است و از این رو، می‌توان گفت که از نظر آماری تاثیر این مؤلفه‌ها معنادار هستند و مؤلفه‌های «زیبایی منظره» و «مدیریت و نگهداری» به ترتیب دارای بالاترین عدد میانگین و بالاتر از ۳ هستند؛
ب. دل‌بستگی به مکان: با توجه به آزمون t تک نمونه‌ای، میزان حس دل‌بستگی به مکان به‌عنوان متغیر وابست، تحقیق بالاتر از میانگین بوده و همچنین دارای سطح معناداری است (جدول شماره ۵).

۳.۵. تأثیر مؤلفه‌های رضایت‌مندی از فضاهای جمعی مجتمع‌های مسکونی بر حس دل‌بستگی به مکان

در این پژوهش، رابطه میان مؤلفه‌های رضایت‌مندی از فضاهای جمعی شامل مکان و موقعیت، میزان و ابعاد فضا، امنیت، نظافت و پاکیزگی، ایمنی فیزیکی، زیبایی منظره، تنوع بافت و رنگ و نیز مدیریت و نگهداری با میزان دل‌بستگی به مکان در شش مورد مجتمع‌های مسکونی منتخب شهر تهران مورد بررسی قرار گرفت. نتایج حاصل از پیمایش نشان می‌دهد که میان تمامی این مؤلفه‌ها و دل‌بستگی به مکان، رابطه‌ای معنادار وجود دارد. در میان ویژگی‌های مورد مطالعه، «زیبایی منظره» بیشترین ضریب تأثیر را به خود اختصاص داده است؛ از این رو می‌توان گفت که این مؤلفه بیش از سایر عوامل، در شکل‌گیری و تقویت حس دل‌بستگی به مکان در میان ساکنان نقش داشته است و پس از آن به ترتیب: تنوع بافت و رنگ، مدیریت و نگهداری، نظافت و پاکیزگی، امنیت، ایمنی فیزیکی، مکان و موقعیت و در آخر میزان / ابعاد قرار دارند (جدول شماره ۶).
برای آزمون تأثیر مؤلفه‌های محیطی فضاهای جمعی بر رضایت‌مندی و حس دل‌بستگی به مکان از آزمون همبستگی اسپیرمن استفاده شد.

جدول شماره ۶. رابطه بین مؤلفه‌های رضایت‌مندی از فضاهای جمعی و حس دل‌بستگی به مکان دل‌بستگی $P=0.05$

متغیر	رضایت‌مندی کل	دل‌بستگی به مکان
مکان / موقعیت	Spearman Correlation	۰/۱۸۰**
	tailed) - Sig. (2)	۰/۰۰۱
میزان / ابعاد	Spearman Correlation	۰/۱۲۱**
	tailed) - Sig. (2)	۰/۰۲۱
امنیت	Spearman Correlation	۰/۲۴۶**
	tailed) - Sig. (2)	۰/۰۰۰
نظافت و پاکیزگی	Spearman Correlation	۰/۳۲۷**
	tailed) - Sig. (2)	۰/۰۰۰
ایمنی فیزیکی	Spearman Correlation	۰/۲۲۴**
	tailed) - Sig. (2)	۰/۰۰۰
زیبایی منظره	Spearman Correlation	۰/۵۵۸**
	tailed) - Sig. (2)	۰/۰۰۰
تنوع بافت و رنگ	Spearman Correlation	۰/۴۸۳**
	tailed) - Sig. (2)	۰/۰۰۰
مدیریت و نگهداری	Spearman Correlation	۰/۴۸۱**
	tailed) - Sig. (2)	۰/۰۰۰

./...	./...	tailed) - Sig. (2	
./۵۴۳**	۱	Spearman Correlation	رضایت‌مندی کل
./...	./...	tailed) - Sig. (2	
۱	./۵۴۳**	Spearman Correlation	دل‌بستگی به مکان
	./...	tailed) - Sig. (2	

** . Correlation is significant at the 0.01 level (2 - tailed).

برای آزمون تأثیر متغیرهای رضایت‌مندی از فضاهای جمعی بر حس دل‌بستگی به مکان از آزمون رگرسیون استفاده شد. در جدول شماره ۷ سطح معناداری (sig) برای دو متغیر «زیبایی منظره» و «مدیریت و نگهداری»، کمتر از آلفا ۰/۰۵ و برای سایر متغیرها، سطح معناداری (sig) بیشتر از آلفا ۰/۰۵ است. بنابراین تأثیر متغیرهای مستقل «زیبایی منظره» و «مدیریت و نگهداری» بر متغیر وابسته حس دل‌بستگی به مکان معنادار است و می‌توان نتیجه گرفت که این دو مؤلفه نقش مؤثری در شکل‌گیری و تقویت حس دل‌بستگی به مکان دارند. براساس مقدار ضریب بتا، معیار «زیبایی منظره» با ضریب ۰/۳۷۴ بیشترین میزان تأثیرگذاری را به خود اختصاص داده است. همچنین مقدار ضریب تعیین (R^2) نشان می‌دهد که حدود ۴۴ درصد از تغییرات حس دل‌بستگی به مکان از طریق مؤلفه‌های رضایت‌مندی از فضاهای جمعی مجتمع‌های مسکونی شهر تهران تبیین می‌شود. افزون بر این، سطح معناداری تأثیر متغیر مستقل رضایت‌مندی بر متغیر وابسته (حس دل‌بستگی به مکان) تحت تأثیر میزان رضایت‌مندی از مکان قرار دارد. در نتیجه، می‌توان بیان کرد که با ارتقای کیفیت زیبایی منظره و بهبود مدیریت و نگهداری در فضاهای جمعی مجتمع‌های مسکونی منتخب و افزایش سطح رضایت‌مندی ساکنان، دستیابی به سطوح بالاتری از حس دل‌بستگی به مکان در این فضاها امکان‌پذیر خواهد بود.

جدول شماره ۷. رگرسیون خطی - تبیین تأثیر مؤلفه‌های رضایت‌مندی از فضاهای جمعی مجتمع‌های مسکونی بر حس دل‌بستگی به مکان ساکنین

متغیر مستقل	sig	T	ضرایب استاندارد شده	ضرایب غیراستاندارد	متغیر وابسته؛ حس دل‌بستگی به مکان
			Beta	Std. Error	B
مکان / موقعیت	۰/۹۸۵	- ۰/۰۱۹	- ۰/۰۰۱	۰/۰۲۷	- ۰/۰۰۱
میزان / ابعاد	۰/۷۴۴	- ۰/۳۲۷	- ۰/۰۱۷	۰/۰۳۴	- ۰/۰۱۱
امنیت	۰/۰۶۶	۱/۸۴۱	۰/۰۸۹	۰/۰۳۹	۰/۰۷۳
نظافت و پاکیزگی	۰/۰۹۰	۱/۷۰۳	۰/۰۹۰	۰/۰۲۲	۰/۰۷۱
ایمنی فیزیکی	۰/۴۸۴	۰/۷۰۱	۰/۰۳۳	۰/۰۲۸	۰/۰۲۶
زیبایی منظره	۰/۰۰۰	۷/۲۸۷	۰/۳۷۴	۰/۰۲۸	۰/۲۰۸
تنوع بافت و رنگ	۰/۰۹۱	۱/۶۹۶	۰/۱۰۸	۰/۰۲۵	۰/۰۵۹
مدیریت و نگهداری	۰/۰۰۱	۳/۳۸۶	۰/۲۰۵	۰/۰۲۵	۰/۱۲۰
رضایت‌مندی کل	۰/۰۰۰	۱۳/۸۹۵	۰/۵۹۱	۰/۰۴۵	۰/۶۲۸

= R Square ۰/۴۴۱
R=۰/۶۶۴
= R Square ۰/۳۵۰
R=۰/۵۹۱

در جداول شماره‌های ۸ و ۹، نتایج آزمون Tukey نشان می‌دهد که از نظر متغیر رضایت‌مندی از فضاهای جمعی، شش مجتمع در چهار گروه قرار گرفتند به گونه‌ای که ساکنین مجتمع آراین (گونه متمرکز) به‌نحو معناداری نسبت به سایر مجتمع‌ها، رضایت‌مندی به مکان بیشتری دارند. از نظر دل‌بستگی به مکان نیز مجتمع آراین (گونه متمرکز) و مجتمع نویسندگان (ردیفی) در یک گروه قرار گرفتند به گونه‌ای که ساکنین این دو مجتمع به‌نحو معناداری نسبت به ساکنین مجتمع‌های دیگر، دل‌بستگی به مکان بیشتری دارند.

جدول شماره ۸. نتایج آزمون Tukey برای مقایسه مجتمع‌ها از نظر رضایت‌مندی مکان

نام مجتمع	تعداد پرسش‌نامه	گروه			
		۱	۲	۳	۴
پاس	۱۲۷	۲.۳۱۴۰			
فردوس	۵۴		۲.۵۷۱۸		
گل‌ها	۴۳		۲.۶۷۱۵		
سروستان	۷۷		۲.۷۳۳۸	۲.۷۳۳۸	
نویسندگان	۳۳		۲.۹۲۴۲		
آرین	۲۷				۳.۳۳۴۱
معناداری		۱/۰۰۰	۰/۲۱۱	۰/۰۸۵	۱/۰۰۰

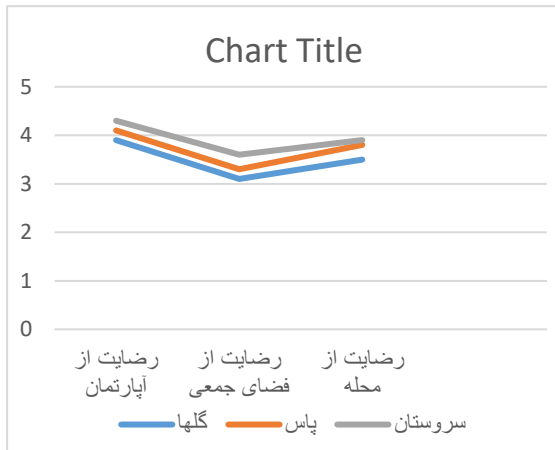
جدول شماره ۹. نتایج آزمون Tukey برای مقایسه مجتمع‌ها از نظر متغیر دل‌بستگی به مکان

نام مجتمع	تعداد پرسش‌نامه	گروه			
		۱	۲	۳	۴
فردوس	۵۴	۳.۰۶۳۱۰۰			
گل‌ها	۴۳	۳.۱۹۴۶۶۰	۳.۱۹۴۶۶۰		
پاس	۱۲۷	۳.۲۱۴۹۳۱	۳.۲۱۴۹۳۱		
سروستان	۷۷		۳.۳۵۰۱۶۸	۳.۳۵۰۱۶۸	
آرین	۲۷			۳.۶۰۷۶۸۲	۳.۶۰۷۶۸۲
نویسندگان	۳۳				۳.۷۰۱۵
معناداری		۰/۵۵۵	۰/۵۲۸	۰/۰۵۶	۰/۹۰۸

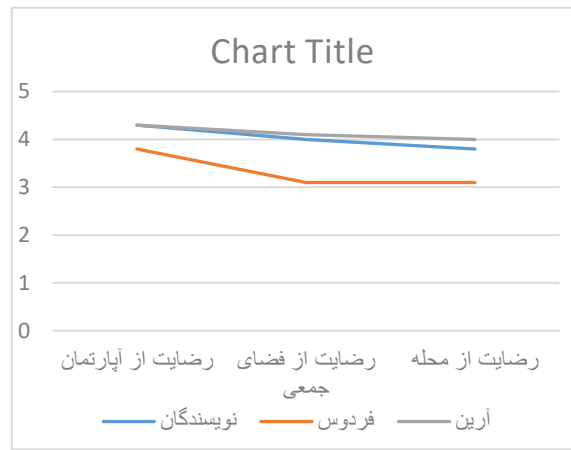
در جدول شماره ۱۰، میانگین رضایت ساکنین مجتمع‌های مسکونی منتخب به تفکیک در سه سطح (آپارتمان، فضای جمعی مجتمع، محله) نشان داده شده است. با توجه به ارزیابی و مقایسه میانگین رضایت ساکنین مجتمع‌های مسکونی منتخب در این سه سطح، شش مجتمع در دو دسته کلی قرار گرفتند: گروه ۱: مجتمع نویسندگان (ردیفی)، مجتمع فردوس (پراکنده)، مجتمع آرین (گونه متمرکز) و گروه ۲: مجتمع گل‌ها (ردیفی)، مجتمع پاس (پراکنده)، مجتمع سروستان (متمرکز). به گونه ای که در مجتمع‌های گروه ۱ (نمودار شماره ۲) بیشترین میزان رضایت از آپارتمان وجود دارد و میزان رضایت از فضای جمعی و رضایت از محله تقریباً یکسان بود. این در حالی است که در مجتمع‌های گروه ۲ (نمودار شماره ۳) بیشترین میزان رضایت از آپارتمان و بعد از آن رضایت از محله و کمترین میزان رضایت از فضای جمعی وجود دارد. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که برای افزایش رضایت‌مندی ساکنین در سطح مجتمع مسکونی، افزایش کیفیت فضاهای جمعی در اولویت قرار دارد.

جدول شماره ۱۰. میانگین رضایت ساکنین مجتمع‌های مسکونی منتخب در سه سطح (آپارتمان، فضای جمعی مجتمع، محله)

نام مجتمع	رضایت از آپارتمان	رضایت از فضای جمعی مجتمع	رضایت از محله
نویسندگان	۴/۳۰	۴/۰۳	۳/۸۴
گل‌ها	۳/۹۷	۳/۱۶	۳/۰۴
فردوس	۳/۸۳	۳/۱۸	۳/۱۲
پاس	۴/۱۹	۳/۳۲	۳/۲۷
آرین	۴/۳۷	۴/۱۸	۴/۰۰
سروستان	۴/۳۵	۳/۶۷	۳/۹۶
میانگین	۴/۱۷	۳/۴۸	۳/۴۷



نمودار شماره ۲. میانگین رضایت ساکنین مجتمع‌های گروه ۲



نمودار شماره ۳. میانگین رضایت ساکنین مجتمع‌های گروه ۱

۶. بحث

۶.۱. تحلیل عاملی اکتشافی

اولین آزمون روایی تحلیل عاملی، آزمون کی. ام. او (KMO) یا سطح معناداری بارتلت است. سطح معنی‌داری آزمون کرویت بارتلت ($Sig=0.000$) و مقدار عددی معیار $KMO 0.8$ است که مناسب بودن داده‌ها برای تحلیل عاملی را نشان می‌دهد. در جدول شماره ۱۱ بار عاملی و سطح معناداری هر معیار ارائه شده است.

جدول شماره ۱۱. بار عاملی معیارهای ارزیابی رضایت‌مندی از فضاها

متغیر	بار عاملی	سطح معناداری
رضایت مکان/ موقعیت	۰/۶۸۰	۰/۰۰۰*
رضایت میزان/ ابعاد	۰/۷۹۶	۰/۰۰۱*
رضایت امنیت	۰/۵۷۴	۰/۰۰۰*
رضایت نظافت و پاکیزگی	۰/۷۱۹	۰/۰۰۰*
رضایت ایمنی فیزیکی	۰/۶۰۶	۰/۰۰۰*
رضایت زیبایی منظره	۰/۶۴۷	۰/۰۰۰*
رضایت تنوع بافت و رنگ	۰/۸۹۴	۰/۰۰۰*
رضایت مدیریت و نگهداری	۰/۷۵۴	۰/۰۰۰*

*همبستگی در سطح ۰/۰۱ معنادار است.

۶.۲. تحلیل عاملی تأییدی

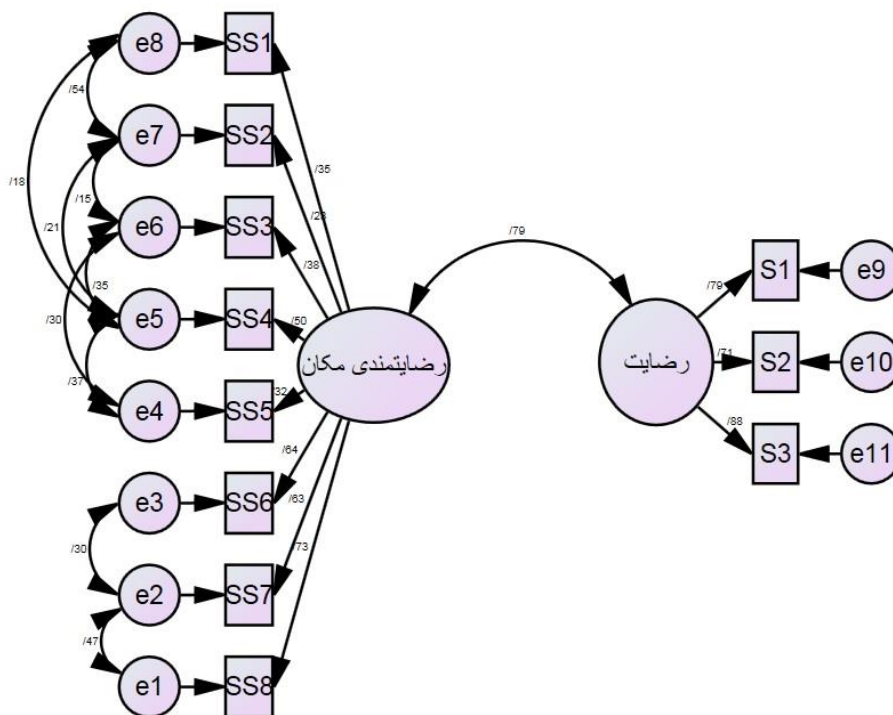
عامل‌هایی که از تحلیل عاملی اکتشافی (EFA) به دست آمده بودند، مجدداً با استفاده از نرم‌افزار Amos، تحت تحلیل عاملی تأییدی (CFA) قرار گرفتند. در این الگو ابتدا رضایت با سه معیار مکان مطلوب برای زندگی، پیشنهاد مکان به دیگران و ترجیح به سایر مکان‌ها ارزیابی شد. در جدول شماره ۱۲ بار عاملی و سطح معناداری هر معیار ارائه شده است. سپس این الگو با الگوی هشت‌بعدی رضایت تلفیق شد و سهم هر بعد در رضایت ارزیابی شده برآورد گردید. همبستگی بین رضایت پیش‌بینی شده و رضایت ارزیابی شده ۷۹٪ و در سطح ۰/۰۱ معنادار است.

جدول شماره ۱۲. بار عاملی و سطح معناداری ارزیابی رضایت

نشانه	سنجه	بار عاملی	سطح معناداری
S1	مکان مطلوب	۰/۷۹	۰/۰۰۰*
S2	پیشنهاد مکان به دیگران	۰/۷۱	۰/۰۰۰*
S3	ترجیح به سایر مکان‌ها	۰/۸۸	۰/۰۰۰*

*همبستگی در سطح ۰/۰۱ معنادار است.

در این پژوهش شاخص‌های مجذور خی^۱، شاخص‌های نیکویی برازش^۲ (GFI)، شاخص تعدیل شده نیکویی برازش^۳ (AGFI) و ریشه میانگین مجذورات پس مانده‌ها^۴ (RMR) بررسی می‌شود. با توجه به خروجی نرم‌افزار Amos (تصویر شماره ۱) و نتایج تحلیل عاملی تأییدی و شاخص‌های ارزیابی که در جدول شماره ۱۳ خلاصه شده است، الگوهای اندازه‌گیری از برازش قابل قبولی برخوردار است.



تصویر شماره ۱. الگوی معادله ساختاری رضایتمندی از فضای جمعی (خروجی نرم‌افزار AMOS)

جدول شماره ۱۳. شاخص‌های ارزیابی الگوی معادله ساختاری

RMR	GFI	IFI	CFI	AGFI	NFI
۰/۰۲۵	۰/۹۴۳	۰/۹۴۰	۰/۹۳۹	۰/۹۴۰	۰/۹۲۰

CMIN/DF= ۲/۸۴۵

RMSEA= ۰/۰۷۹

1. Chi-Square

2. Goodness of Fit Index

3. Adjusted Goodness of Fit Index

4. Root Mean Square Residual

۷. نتیجه‌گیری

در این پژوهش، رابطه میان رضایت‌مندی و حس دلبستگی به مکان در فضاهای جمعی مسکونی و در ادامه، شناسایی مؤلفه‌های مؤثر بر افزایش رضایت‌مندی و ارتقای کیفیت فضاهای جمعی شش مورد منتخب مجتمع‌های مسکونی مورد بررسی قرار گرفت. بر این اساس، الگویی هشت‌بعدی برای ارزیابی حس رضایت‌مندی ساکنان از فضاهای جمعی استخراج شد. به‌منظور آزمون الگوی نظری، سه گونه متوسطمقیاس شامل ردیفی (نویسندگان، گل‌ها)، پراکنده (فردوس، پاس) و متمرکز (آرین، سروستان) از میان مجتمع‌های مسکونی شهر تهران انتخاب گردید و از طریق پرسش‌نامه، میزان رضایت‌مندی و حس دلبستگی ساکنان به مکان سنجیده شد. نتایج توصیفی نشان داد که بیشترین میانگین دلبستگی به مکان با مقدار ۷۰/۳ از ۵ مربوط به مجتمع نویسندگان (گونه ردیفی) و کمترین میانگین دلبستگی با مقدار ۰۶/۳ از ۵ متعلق به مجتمع فردوس (گونه پراکنده) است. با توجه به وجود تفاوت معنادار میان رضایت‌مندی و حس دلبستگی به مکان، آزمون Tukey به‌منظور شناسایی شباهت‌ها و خوشه‌بندی مجتمع‌ها به کار گرفته شد. نتایج این آزمون نشان داد که مجتمع‌های گونه پراکنده هم از نظر رضایت‌مندی و هم از حیث میزان دلبستگی به مکان، در پایین‌ترین سطح قرار دارند. همچنین یافته‌ها حاکی از آن است که حس دلبستگی به مکان از طریق افزایش رضایت‌مندی ارتقا می‌یابد و بهبود کیفیت محیطی فضاهای جمعی، موجب افزایش هم‌زمان رضایت‌مندی و دلبستگی ساکنان می‌شود.

براساس نتایج پژوهش، تأثیر متغیرهای مستقل «زیبایی منظره» و «مدیریت و نگهداری» بر حس دلبستگی به مکان معنادار است. در میان این مؤلفه‌ها، زیبایی منظره با ضریب بتای ۳۷۴/۰ بیشترین تأثیرگذاری را دارد. مقدار ضریب تعیین (R^2) نیز نشان می‌دهد که حدود ۴۴ درصد از تغییرات حس دلبستگی به مکان توسط مؤلفه‌های رضایت‌مندی از فضاهای جمعی مجتمع‌های مسکونی شهر تهران تبیین می‌شود. افزون بر این، ضریب تعیین (R Square) بیانگر آن است که حدود ۳۵ درصد از تغییرات حس دلبستگی به مکان تحت‌تأثیر میزان رضایت‌مندی از مکان قرار دارد. در مجموع، نتایج نشان می‌دهد که با ارتقای کیفیت زیبایی منظره و بهبود مدیریت و نگهداری فضاهای جمعی مجتمع‌های مسکونی منتخب و افزایش سطح رضایت‌مندی ساکنان، می‌توان به سطوح بالاتری از حس دلبستگی به مکان دست یافت. فضاهای جمعی واقع در میان ساختمان‌های مسکونی، به‌عنوان بستر اصلی پیوند ساکنین با طبیعت و همچنین محل اصلی گذران اوقات فراغت در محیط بلافاصله بیرون از خانه عمل می‌کنند. در نتیجه، بازنگری و اختصاص توجه ویژه به طراحی این فضاهای جمعی در مجتمع‌های مسکونی امروزی، که غالباً به شکل حیاط‌های مشترک و جمعی نمود می‌یابند، یک ضرورت اساسی است.

منابع

- Aineifar, A, & Ghazizadeh, S. N. (2010). The Typology of Tehran Residential Building Based on Open Space Layout. *Armanshahr Architecture & Urban Development*, 3 (5), 35 - 46 (In Persian).
- Altman, Irwin; Low, Setha. (1992). Place Attachment, New York, Plenum Press.
- Amérigo, Maria; Aragonés, Juan Ignacio (1990), Residential Satisfaction in Council Housing. *Journal of Environmental Psychology*, 10, 313 - 325.
- Amérigo, María; Aragonés, Juan Ignacio (1997), A theoretical and Methodological Approach to the Study of Residential Satisfaction. *Journal of Environmental Psychology*, 17, 47 - 57.
- Amole, Dolapo (2009b), Residential Satisfaction in Students Housing. *Journal of Environmental Psychology*, 29, 76 - 85.
- Arghiani M, Vahdani Charzekhun H. (2020). Measuring the effective components on promoting sense of attachment in the educational space (Case study: Bojnord high schools). *Tech. Edu. J.*; 14 (2): 315 - 329 <http://dx.doi.org/10.22061/jte.2019.4681.2101> (In Persian).
- Behzadfar, M. and Ghazizadeh, N. (2011). Residential Open Space Satisfaction Case studied: selected

- residential complexes in Tehran. *Journal of Fine Arts: Architecture & Urban Planning*, 3 (45), 15 - 24 (In Persian).
- Bonaiuto, Marino; Fornara, Ferdinando; Bonnes, Mirilia (2006), Perceived Residential Environment Quality In middle - And low - Extension Italian Cities. *Revue Européenne de Psychologie Appliquée / European Review of Applied Psychology*, 56, 23 - 34.
- Daneshpour, S. A. Sepehri Moqaddam, M. and Charkhchian, M. (2009). Explanation to "Place Attachment" And investigation of its effective factors. *Journal of Fine Arts: Architecture & Urban Planning*, 1 (38), 37 - 48 (In Persian).
- Gaitani, N.; Mihalakakou, G.; Santamouris, Mat (2007), On the Use of Bioclimatic Architecture Principles in Order to Improve Thermal Comfort Conditions in Outdoor Spaces. *Journal of Building and Environment*, 42, 317 - 324.
- Ge, Jian; Hokao, Kazunori (2006), Research on Residential Lifestyles in Japanese Cities from the Viewpoints of Residential Preference, Residential Choice and Residential Satisfaction. *Journal of Landscape and Urban Planning*, 78, 165 - 178.
- Green, R. (1999). Meaning and form in community perception of town character, *Journal of Environmental Psychology* 19, 311 - 329.
- Hashas, Mine Hatun. (2004). Residents' Attachment to New Urbanist versus Conventional Suburban Developments. PhD Thesis, North Carolina State University. Hashas, Mine Hatun 2004. Residents' Attachment to New Urbanist versus Conventional Suburban Developments. *PhD Thesis*, North Carolina State University.
- Hidalgo, M. Carmen; Hernandez, Bernardo. (2001). Place Attachment: Conceptual and Empirical Questions. *Journal of Environmental Psychology*, 21: 273 - 281.
- Hur, Misun; Nasar, Jack L.; Chun, Bumseok (2010), Neighborhood Satisfaction, Physical and Perceived Natural ness and Openness. *Journal of Environmental Psychology*, 30, 52 - 59.
- Kearney, Anne R. (2006), Residential Development Patterns and Neighborhood Satisfaction: Impacts of Density and Nearby Nature. *Journal of Environment and Behavior*, 38, 112 - 139.
- Kyle, Gerard; Graefe, Alan&Manning, R. (2005). Testing the Dimensionality of Place Attachment in Recreational Settings. *Journal of Environment and Behavior*, 37: 153 - 177.
- Kyle, G.; Graefe, A.; Manning, R.t&Bacon, J. (2004). Effects of Place Attachment on Users' Perceptions of Social and Environmental Conditions in a Natural Setting. *Journal of Environmental Psychology*, 24: 213 - 225.
- Low, S. M. & Altman, I. (1992). "Place attachment: A conceptual inquiry". In I. Altman & S. M. Low, (Eds), *Place Attachment*, Vol. 12. New York: Plenum Press.
- Mahdavi - Nejad, M. J.; Dehghani, F; & Boroumand, B. (2014). Typology of Approaches to Public Spaces in Contemporary Landscape Architecture of Iran (1978–2011), *1st International Congress on New Horizons in Architecture and Planning Tehran* <https://civilica.com/doc/380754> (In Persian).
- Marcus, Clare C.; Francis, C. (1998). *People Places: Design Guidelines for Urban Open Space* New York, John Wiley & Sons INC.
- Marcus, Clare Cooper; Sarkissian, Wendy (1986), *Housing as If People Mattered: Site Design Guidelines for Medium - Density Family Housing*, Berkeley, and University of California Press.
- Norberg - Schulz, C. (1980). "Genius loci: Towards a Phenomenology of Architecture". New York: Rizzoli.
- Proshansky, H , Fabian, A.K , Kaminoff, R , (1983). "Place identity: physical world socialization of the self". *Journal of Environmental Psychology* 3, 57–83.

- Rahimi, R , Ansari, M , Bemanian, M.R. & Mahdavinejad, M.J. (2020). Evaluation of the Effect of Physical Components on Place Attachment in Communal Spaces of Selected Residential Complexes in Tehran. *Bagh - e Nazar*, 17 (83), 17 - 34. DOI: 10.22034/bagh.2020.185425.4107 (In Persian).
- Relph, E. (1976), "Place and placelessness", Pion Limited, London. P. 29–38, 47–56.
- Scannell, L.; Gifford, R. (2009). Defining Place Attachment: A Tripartite Organizing Framework. *Journal of Environmental Psychology*, 30: 1 - 10.
- Shamai, S , (1991). "Sense of place: an empirical measurement". *Geoforum* 22 (3), 347–358.
- Steele, F. (1981). "The sense of place", CBI Publishing Company, Inc.
- Taylor, A. Faber; Wiley, A; Kuo, F. E. & Sullivan, William C. (1998). Growing up in the Inner City: Green Spaces as Places to Grow. *Journal of Environment and Behavior*, 30: 3 - 27.
- Thorsson, Sofia; Lindqvist, Maria; Lindqvist, Seven (2004), Thermal Bioclimatic Conditions and Patterns of Behaviour in an Urban Park in Goteborg, Sweden. *International Journal of Biometeorol*, 48, 149–156.
- Tuan, Y. F. (1974). "Sense of place: Humanistic perspective". In C. Board, (Ed.), *Progress in Geography: - International Reviews of Current Research*, Vol. 6. London: Edward Arnold Publishers, pp. 211 - 253.
- Williams, Daniel R.; Roggenbuck, J.W. (1989). Measuring Place Attachment: Some Preliminary Results. Session on Outdoor Planning and Management, NRPA Symposium on Leisure Research, San Antonio.